



آسیب‌شناسی زیارت

سید محمد موسوی

مقدمه

زیارت در فرهنگ اسلام از جایگاه مهم و ویژه‌ای برخوردار است که قرآن کریم و روایات و سیره معصومان علیهم‌السلام بر آن تاکید دارد. از این رو یکی از سنت‌های دیرینه و حسنه در اسلام «زیارت» به‌ویژه در میان شیعیان است.

استقبال مردم از اماکن زیارتی در تمامی ادیان الهی و آسمانی و نیز اشتیاق مسلمانان به زیارت بزرگان دینی و مزارهای مقدس آنان بر کسی پوشیده نیست. تجلی این علاقه و اشتیاق را در زیارت میلیونی مردمی از نقاط گوناگون جهان در اماکن زیارتی می‌توان دید؛ به طوری که تنها از میان ایرانیان سالانه میلیون‌ها زائر به مکان‌های زیارتی مانند: خانه خدا و

مرقد نورانی پیامبر ﷺ و امامان بقیع علیهم السلام در کشور عربستان و عتبات عالیات در کشور عراق و حرم امام رضا علیه السلام در مشهد و حرم کریمه اهل بیت حضرت معصومه علیها السلام در قم و امامزادگان جلیل القدر در نقاط مختلف ایران و نقاط جهان سفر می کنند.

بی تردید زیارت برکات و دستاوردهای فراوان و گوناگونی دارد که پیروان راستین مکتب اسلام از آن بهره مندند؛ اما نکته ای که در این سنت حسنه باید مورد توجه قرار گیرد، آفت ها و آسیب هایی است که در مسیر انجام زیارت پدید آمده و زائران را از هدف اصلی زیارت بازمی دارد.

نبودن برنامه ای حساب شده و متناسب توسط دست انداران کاران بعضی از اماکن زیارتی و غفلت برخی از زائران در این زمینه، آفت ها و آسیب هایی را در پی داشته که در این مقاله به برخی از مهم ترین آنها می پردازیم.

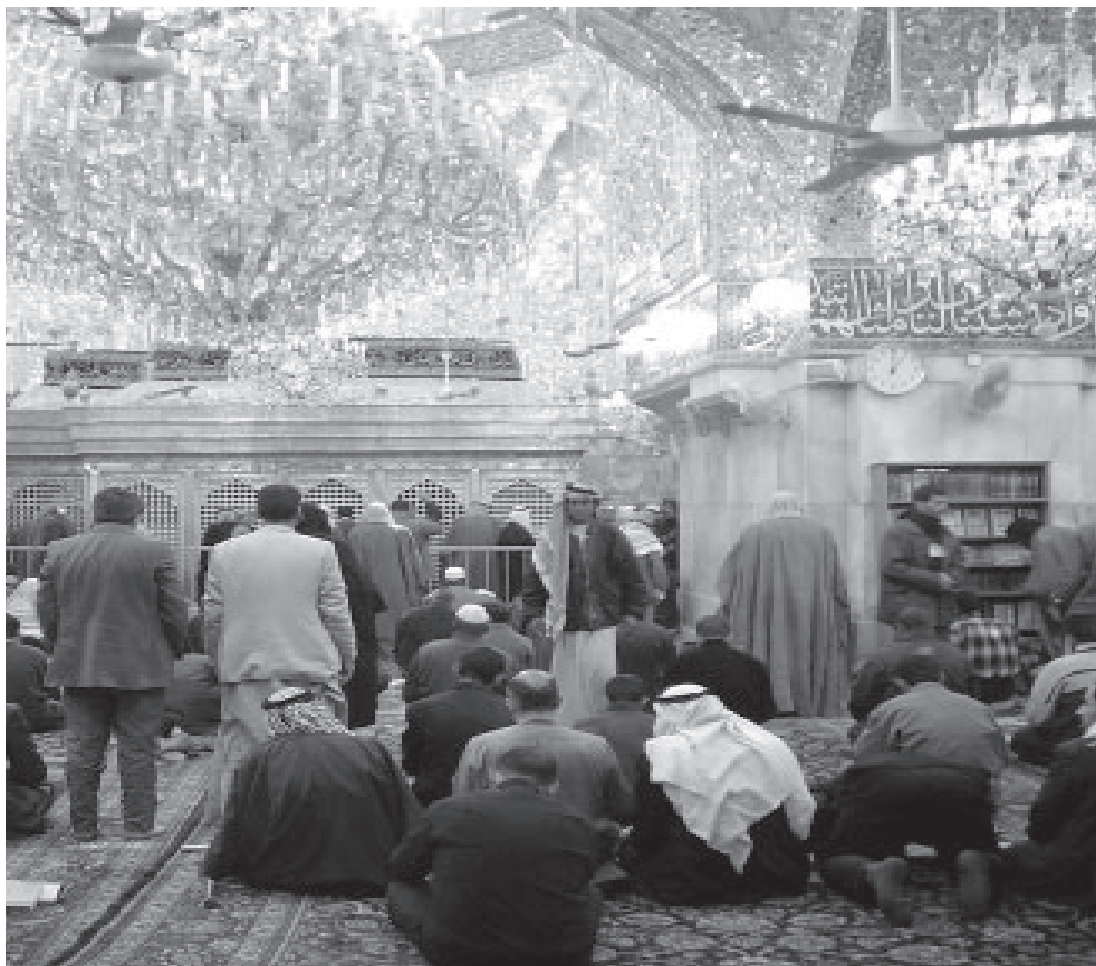
۱. عدم رعایت ادب حضور

زیارت اماکن نورانی و مقدس انبیا و اولیای الهی آدابی دارد که به عنوان «آداب زیارت» در کتاب های مزار آمده است. زائر هنگام زیارت باید ادب حضور در پیشگاه آن بزرگواران را در نظر گرفته و با قلبی آماده و دلی آکنده از صدق و صفا با آنان ارتباط برقرار کند. در زبان عامه، مردم چنین می گویند: «زیارت پول حلال می خواهد و قلب صاف!» اگر قلب زائر متوجه دیگری باشد و بدون توجه به درگاه باری تعالی به زیارت بپردازد، عین بی ادبی است و چنین زیارتی موجب قرب و ارتباط معنوی نخواهد شد.

ادب اقتضا می کند شخصی که بار سفر بسته و عزم خویش را جزم نموده تا بزرگواری را زیارت کند، در تمام مراحل این سفر، خود را در محضر آن محبوب دانسته و در جوار وی همت و تلاش بر این داشته باشد که از نورانیت و جذابیت آن مرقد نورانی بیشترین بهره را برده و آن وجود مقدس را ناظر بر رفتارش بداند و از آنچه موجب سرگرمی های غفلت آور است و او را از هدف اصلی بازمی دارد، بپرهیزد. عارف بزرگوار میرزا جواد ملکی تبریزی فرماید:

چیزی که برای همگان قابل رؤیت می باشد، این است که بیشتر مردم در عبادات و کارهای آخرت و حتی در ایمان و اخلاق خود به شکل ظاهری آن چسبیده، ولی در امور دنیایی علاوه بر انجام دادن شکل ظاهری، برای به دست آوردن حقیقت و واقعیت آن، دقت زیادی به خرج می دهند. برای مثال بیشتر مردم فقط شکل نماز را به وجود آورده و برای تکمیل



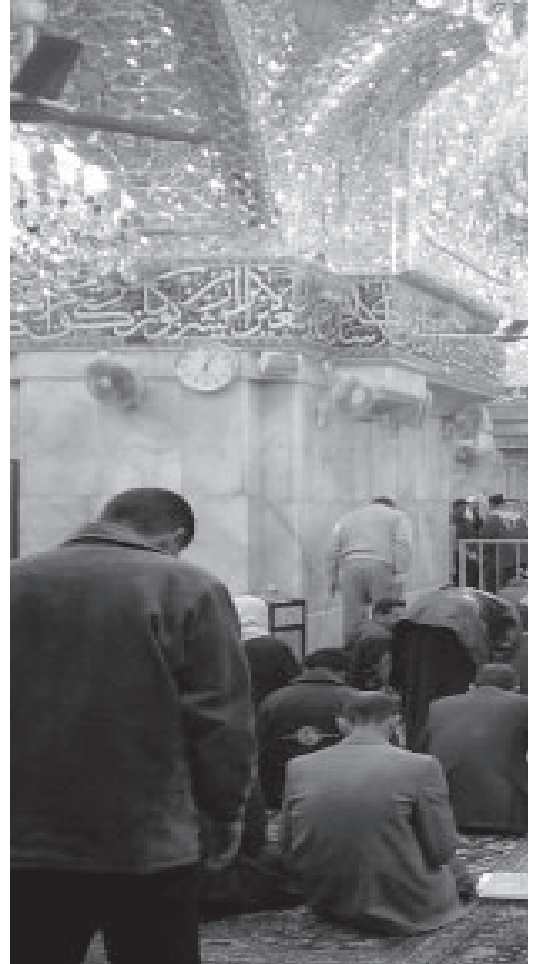


ظاهر آن کوشش می‌کنند، ولی در پی به دست آوردن روح آن نیستند. مهم‌ترین چیزی که باعث از بین رفتن دین و آخرت انسان شده و او را به سوی دنیا کشیده و باعث حاکمیت هوای نفس بر انسان می‌شود، همین امر است.

هر کدام از کارها و اذکار نماز که از اجزا یا شرایط نماز هستند، از طهارت و تکبیر گرفته تا سلام دادن و خواندن تعقیبات نماز، همگی دارای شکل و روح می‌باشند، اما مردم شکل ظاهری نماز را یاد گرفته و برای درست کردن تقلید و آموختن نماز خیلی تلاش کرده و در این موارد احتیاط می‌کنند. حتی درباره میزان معلومات و تقوای مراجع تقلید تحقیق کرده و در این باره با یکدیگر بحث می‌کنند. به جهت فهمیدن مطالب رساله‌های علمیه دقت

کرده و درباره آن با یکدیگر بحث می‌کنند. درباره پاک بودن آب و پاک کردن اعضای بدن زیاده‌روی کرده و برای رساندن آب به اعضای وضو به اندازه‌ای تلاش می‌کنند که شرع از آنان نخواست و حتی به صراحت آن را نهی کرده است و همین‌طور در مورد پاک بودن مکان و لباس نماز. هنگام نماز و گفتن ذکر، به اندازه‌ای در ادای حروف از مخارج دقت کرده و زیاده‌روی می‌کنند که در نهایت آن را غلط می‌خوانند! اما گویا اصلاً دستوری ندارند که اعضای بدن خود را از گناهان و دل را از اخلاق رذیله، نفاس و دوستی غیر خدا و به یاد غیر خدا بودن پاک کنند که به این امور نمی‌پردازند!

اما مردم در امور دنیوی چنین نبوده و تمام تلاش خود را برای به دست آوردن چیزهای حقیقی به کار می‌گیرند. برای مثال، کسی که حلوا می‌دهد، نمی‌تواند با شکل یا کلمه حلوا خود را راضی کند و اگر یکی از اجزای آن به حد کافی در آن نباشد، نام حلوا را از روی آن برداشته و می‌گوید: این حلوا نیست. همین‌طور در سایر چیزها و امور دنیا تاکنون کسی را ندیده‌ام که در



امور دنیایی به شکل ظاهر اکتفا کند. اگر همه مردم چنین نباشند، بیشتر مردم، در اغلب امور آخرت، فقط شکل ظاهر را به وجود آورده و انتظار دارند که شکل و ظاهر، اثر روح را داشته باشد که [البته] به آن نمی‌رسند...

در یک کلام، ما در امور دینی و آخرتی گرفتار سهل‌انگاری شده و خود را با ظواهر راضی نموده و در انجام این امور کوتاهی می‌کنیم. البته باید در نظر داشت که اگر می‌گوییم باید ماهیات و معانی را به وجود آورد و از اکتفا به ظاهر پرهیز کرد، منظور این نیست که باید به شکل ظاهر بی‌اعتنا باشیم؛ بلکه باید هم جلوه ظاهری را ایجاد کرد و هم معنا و باطن را؛ همان‌گونه که خداوند از ما خواسته و رسول خدا ﷺ انجام می‌داد؛ زیرا شکل و ظاهر نیز بسیار مهم است. اگر کسی مانند صوفی‌ها، اصلاً جلوه بیرونی و شکل ظاهری را رعایت نکند، خود

و دیگران را گمراه نموده و با این عمل از دین خارج می‌شود.^۱ هدف زیارت این نیست که انسان حضور جسمی در بارگاه عزیز و بزرگواری داشته باشد، اما قلب و روح او غایب باشد و به دیوارها و گچ‌بری‌ها و کاشی‌کاری‌ها و چراغ‌ها و مانند آنها سرگرم شود و خود را از کسب فیض از محضر آن بزرگواران محروم کند. در روایتی چنین وارد شده است:

عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ قَالَ سَمِعْتُ الرَّضَاءَ ع يَقُولُ إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَانِهِ وَشَيْعَتِهِ وَإِنْ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَحَسَنِ الْأَدَاءِ زِيَارَةَ قُبُورِهِمْ فَمَنْ زَارَهُمْ رَغْبَةً فِي زِيَارَتِهِمْ وَتَضَدِّيقًا بِمَا رَغِبُوا فِيهِ كَانَ أَيْمَتَهُمْ شَفَعَاءَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ حَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ وَشَاءُ گويد: از امام رضا ع شنیدم که فرمود: برای هر امامی بر گردن دوستان و پیروانش عهد و پیمانی است؛ وفای به آن پیمان هنگامی کامل می‌گردد و به نیکی ادا می‌شود که به زیارت مرقدش برود. از این رو هر کس مزار امامان را با شوق درونی و میل باطنی زیارت کند و به آنچه خواست آنان است، گواهی دهد، آن بزرگواران در روز قیامت شفیعش خواهند بود.^۲

۲. عدم آگاهی و بصیرت

یکی از مبانی مهم تعلیم و تربیت در اسلام، محبت است؛ به طوری که قرآن کریم مهم‌ترین محور فضایل اخلاقی را محبت می‌شمرد. نقش محبت آن قدر مهم و کارساز است که امام

صادق ع می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَدَبَ نَبِيِّهِ عَلَيَّ مَحَبَّتِهِ فَقَالَ وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ؛ خدای بزرگ پیامبرش را با محبت خود تأدیب و تربیت کرد، آن‌گاه به او فرمود: همانا تو دارای اخلاق برجسته‌ای هستی.^۳

چون زیارت جلوه‌گاه محبت و دوستی با اهل بیت عصمت و طهارت است، به گونه‌ای که زائر عمق محبت و مودت خویش را نسبت به آن بزرگواران ابراز می‌نماید، از این رو با توسل به آنان همسویی و همراهی با ایشان و دوری از دشمنانشان را آشکار نموده و «تولی» و «تبری» را به نمایش می‌گذارد. اما این مهم هنگامی به دست می‌آید که با معرفت و شناخت انجام گیرد. شناخت زائر نسبت به حق و مقام زیارت شونده، هر چه عمیق‌تر و بیشتر باشد،

محبت و علاقه به آنان افزون‌تر خواهد بود. در برخی از دعاها چنین آمده است:

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي

حُجَّتَكَ صَلَّى عَنْ دینی؛ خدایا! خودت را به من بشناسان که اگر شناسانی، پیامبرت را نخواهم شناخت. خدایا! پیامبرت را به من بشناسان که اگر شناسانی، حجت تو را نخواهم شناخت. خدایا! حجت خود را به من بشناسان که اگر شناسانی، در دین خویش به گمراهی خواهیم افتاد.^۴

بهره‌وری از معنویات و راز و نیاز راستین و قرار گرفتن در جذبه محبوب و نوشیدن جرعه‌های روح‌بخش از سرچشمه پرفیض امام و انسان کامل، هنگامی برای به انسان حاصل می‌شود که این ویژگی‌ها با شناخت صحیح و معرفت همراه باشد. هنگامی که زائر از چنین معرفتی محروم مانده و در غفلت و فراموشی به سر برد، از فضیلت‌ها و مکارم اخلاقی نیز محروم خواهد ماند.

آری، عدم شناخت و بصیرت نداشتن نسبت به ساحت مقدس معصومان (علیهم‌السلام) میان آدمی و آنان فاصله انداخته و توفیق الگو گرفتن از آنان را سلب می‌کند. انسان وقتی امام معصوم را به چشم حجت خدا بنگرد و از عمق جان به او ارادت داشته باشد و از سوی خداوند اطاعتش را لازم بداند، دستوراتش را در ابعاد گوناگون زندگی اطاعت کرده و پای‌بندی به آنها را نشان خواهد داد.

آگاهی و میزان معرفت زائر در این زمینه اهمیت فراوان دارد و اگر انسان، آگاه به حق زیارت شونده باشد، بی‌شک در پیشگاه پروردگار منزلت والایی به دست خواهد آورد. در برخی از روایات به این موضوع سفارش شده است. برای نمونه در حدیثی چنین می‌خوانیم:

قال ابو عبد الله (علیه السلام) مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) عَارِفًا بِحَقِّهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَجْرَ مَنْ أَعْتَقَ أَلْفَ نَسَمَةٍ وَ كَمَنْ حَمَلَ عَلَى أَلْفِ فَرَسٍ مُسْرَجَةٍ مُلْجَمَةٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ امام صادق (علیه السلام) فرمود: هر کس به زیارت قبر

امام حسین (علیه السلام) برود و حق او را بشناسد، خداوند پاداش کسی را به او می‌دهد که هزار برده را آزاد کرده باشد و مانند کسی است که هزار اسب زین شده و لگام زده را در راه خدا گسیل دارد.^۵

و فرمود:

مَنْ أَتَى قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) عَارِفًا بِحَقِّهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ؛ کسی که به زیارت قبر امام حسین (علیه السلام) برود و آشنای به حق او باشد، خداوند گناهان

هدف زیارت این نیست که

انسان حضور جسمی در بارگاه عزیز
و بزرگواری داشته باشد، اما قلب و روح
او غایب باشد و به دیوارها و گچ‌بری‌ها و
کاشی‌کاری‌ها و چراغ‌ها و مانند آنها سرگرم
شود و خود را از کسب فیض از محضر آن
بزرگواران محروم کند.



گذشته و تازه‌اش را می‌آمزد.^۶

معرفت و آگاهی نه تنها شرط کمال در زیارت پیامبر و امامان معصوم است، بلکه درباره زیارت خانه خدا و طواف کعبه نیز چنین آمده است:

عَنْ إِبْرَاهِيمَ التَّمِيمِيِّ قَالَ كُنْتُ أَطُوفُ بِالْبَيْتِ الْحَرَامِ فَأَعْتَمَدَ عَلَيَّ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقَالَ أَلَا أُخْبِرُكَ يَا إِبْرَاهِيمُ مَا لَكَ فِي طَوَافِكَ هَذَا؟ قَالَ قُلْتُ بَلِي جُعِلْتُ فِدَاكَ، قَالَ مَنْ جَاءَ إِلَيَّ هَذَا الْبَيْتِ عَارِفًا بِهِ أَسْبُوعًا وَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ فِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَشْرَةَ آلَافٍ حَسَنَةً وَرَفَعَ لَهُ عَشْرَةَ آلَافٍ دَرَجَةً الْخَبِيرُ؛ إِبْرَاهِيمَ تَمِيمِي گوید: در حال طواف کعبه بودم که امام صادق عليه السلام به من تکیه داد و فرمود: ای ابراهیم! آیا تو را از فضیلت این طوافی که انجام می‌دهی آگاه سازم؟ عرض کردم: آری، فدایت شوم! فرمود: هر کس به سوی این خانه بیاید، در حالی که عارف به حق آن باشد، آن گاه هفت دور طواف کند و پس از آن دو رکعت نماز در مقام ابراهیم عليه السلام بگذارد، خداوند ده هزار حسنه برای او می‌نویسد و ده هزار درجه وی را بالا می‌برد...^۷

به هر روی، زائر باید به این بیندیشد که کیست و زیارت شونده کیست؟ این مزار کجاست و چه آدابی را رعایت کند و چه رهاوردی برای او دارد؟

زائر با معرفت در جوار پاک اسوه‌های تقوا و فضیلت می‌تواند خاک وجود خویش را کیمیا و مس درون را به طلای ناب تبدیل کند. بسیاری بوده‌اند که با کوله‌باری از گناه و عصیان به زیارت خانه خدا یا بارگاه نورانی معصومان رفته و با توجهی خالصانه و تضرعی صادقانه، سوزی از درون نشان داده و درخواست رهایی از تاریکی جهل و گناه نموده‌اند؛ پس خواسته آنان برآورده شده، تحولی عمیق در وجود آنان پدید آمده و آن زیارت چون آتشی سوزان تمام ناخالصی‌های آنان را سوزانده و مانند چشمه‌ای زلال، گناهانشان را شسته و به سرچشمه نور و صفا متصل کرده است.

۳. تظاهر و ریاکاری

زیارت، حضور در محضر بندگان صالح و شایسته خداست که با اخلاص به درگاه ربوبی روی آورده‌اند و بندگی خداوند شاخص‌ترین ارزش وجودی آنان است. مگر نه این است که در تشهد نماز، به برترین انسان جهان آفرینش و افضل انبیای الهی و آخرین سفیر خداوند چنین می‌گوییم: «و اشهد أنّ محمداً عبده و رسوله»؛ گواهی می‌دهم که محمد بنده خدا و رسول اوست. از این رو باید توجه داشت که آن چه موجب نزدیکی آنان به خداوند متعال است، همان بندگی و اخلاصشان بوده و این امر بسیار مورد عنایت مکتب اسلام است و در منابع اسلامی تأکید فراوان بر آن شده است.

در نقطه مقابل اخلاص، «ریا» قرار دارد که به شدت نکوهش شده است. ریا به معنای انجام کاری در برابر دیدگان مردم است تا به او گمان نیک پیدا کنند. این کار در اسلام ممنوع و حرام شمرده شده و قرآن کریم در آیات متعددی آن را نکوهش نموده است. در برخی از این آیات به آثار ریا در باطل کردن اِنْفَاق یا صدقات اشاره نموده است:

{ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا }^۸؛ منافقان می‌خواهند خدا را فریب دهند، درحالی که خدا فریب‌دهنده آنان است و چون به نماز برمی‌خیزند، برای مردم خودنمایی می‌کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی‌کنند.

در نظر فقیهان نیز ریا در عبادت، موجب بطلان عبادت است و نیز هر کاری که در آن قصد قربت شرط شده باشد، ریا آن را باطل می‌کند. بنابراین در تمام کارها به‌ویژه کارهای عبادی



باید موضوع اخلاص مورد توجه باشد تا نتیجه‌ای الهی در پی آورد. جای بسی تأسف است که برخی افراد برای تظاهر و چشم و هم‌چشمی و ریاکارانه به زیارت خانه خدا و مراقد نورانی پیامبر و اهل بیت پاکش می‌روند و تمام زحمت خود را بر باد می‌دهند! آنان تنها به این می‌اندیشند که چون فلان شخص از خویشان یا آشنایان به مکه رفته و او را حاجی صدا می‌زنند، من نیز باید به این سفر بروم تا مانند او مرا حاجی صدا کنند!

۴. عدم توجه به اولویت‌های دینی

از دیگر آسیب‌های مهم زیارت این است که برخی به هنگام زیارت، به اولویت‌های دینی و مراتب مطلوبیت امور توجه جدی ندارد؛ گرچه این آسیب در ابعاد دیگر زندگی نیز به چشم می‌خورد که خود جای تامل و بررسی دارد. کارشناسان مسائل دینی و فقیهان بزرگ، احکام دینی را به پنج گونه تقسیم کرده‌اند:

اول: واجب (کاری که باید انجام شود و ترک آن عقاب دارد)؛

دوم: حرام (کاری که باید ترک شود و انجام آن عقاب دارد)؛

سوم: مستحب (کاری که انجام آن ثواب دارد، اما می‌توان آن را ترک نمود)؛

چهارم: مکروه (کاری که ترک آن بهتر است، اما می‌توان آن را انجام داد)؛

پنجم: مباح (کاری که انجام و ترک آن مساوی است)؛

بدیهی است که مهم، انجام واجبات و ترک محرّمات است و

گام اصلی از دیدگاه بزرگان و عارفان واقعی در مسیر رشد

معنوی انسان، توجه به این دو می‌باشد. مرجع فقید و

بزرگوار حضرت آیه‌الله بهجت در فرازی از سخنان

خود درباره عمل به وظیفه می‌فرماید:

حضرت ولی عصر علیه السلام تکیه‌گاه مردم است و

کسانی که تکیه‌گاهشان امام باشد، کوه ایمانند...

نوکرهای امام زمان باید به وظیفه خویش عمل

کنند و توسلات را هم داشته باشند.

نیز می‌فرماید:

شناخت زائر نسبت به حق و مقام زیارت
شونده، هر چه عمیق‌تر و بیشتر باشد، محبت و
علاقه به آنان افزون‌تر خواهد بود.



اگر بفرمایید: به آن حضرت دسترسی نداریم، جواب شما این است که چرا به انجام واجبات و ترک محرمات ملتزم نیستید. او به همین امر از ما راضی است. ترک واجبات و ارتکاب محرمات، حجاب و نقاب دیدار ما از آن حضرت است. معنویت واقعی آن است که آدمی واجبات دینی را انجام داده و از محرمات بپرهیزد و در مرحله دوم به انجام مستحبات و ترک مکروهات پایبند باشد که آن نیز در جای خود باارزش است. اما این درست نیست که انسان، واجبی را فدای یک مستحب کند یا این که حرامی را فدای مکروه نماید. از این رو هر جا انسان بر سر دو راهی قرار گیرد و چاره‌ای جز این نداشته باشد که یکی از آن دو را برگزیند، همیشه باید مستحب را فدای واجب و مکروه را فدای حرام بنماید و پیوسته باید مهم را به پای مهم‌تر قربانی نمود، نه عکس آن. اکنون باید گفت: زیارت به‌طور طبیعی یک امر مستحب است، اما انجام آن نباید حساسیت انسان به ترک حرام را کمرنگ کند یا گمان برد که زیارت، گناه او را جبران می‌کند! بلکه در یک زیارت صحیح و سازنده، آدمی باید از گناهان خود توبه و استغفار نماید؛ به‌ویژه در

زیارت مرقد نورانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که استغفار و طلب آمرزش در آنجا که مورد سفارش قرآن کریم و اولیای الهی است:

{... وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا}؛^۱ و اگر ایشان هنگامی که به خود ستم کردند، نزد تو می آمدند و از خدا طلب آمرزش می نمودند و پیامبر هم برای آنان استغفار می نمود، خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند.

این آیه پرجاذبه ترین آیه ای است که امت مسلمانان را به زیارت مرقد نورانی پیامبر بزرگوار اسلام دعوت نموده و عالمان شیعه و سنی به آن تمسک نموده اند.

برخی امور نامطلوب و معصیت آلود در زیارت

الف) گاهی بر اثر کثرت جمعیت در اماکن زیارتی، اختلاط زن و مرد به چشم می خورد و حریم ها رعایت نمی شود؛ با این که همه می دانیم چنین وضعی از نظر دینی مطلوب نیست. مرحوم محدث قمی در کتاب معروف خود می گوید:

شیخ شهید ما فرمود: هنگامی که زنان می خواهند به زیارت بروند، باید خود را از مردان جدا کنند و تنها زیارت نمایند و اگر هنگام شب زیارت کنند، بهتر است و باید وضع لباس خود را تغییر دهند و لباس خوب و عالی را به لباس پست بدل کنند که شناخته نشوند...

ایشان پس از نقل کلام شهید چنین آورده است:

از این کلمات معلوم می شود شدت قبح و زشتی آن چه که امروزه عادی شده است که بانوان به نام رفتن به زیارت خود را آرایش نموده، با لباس های نفیس از خانه ها بیرون می آیند و در حرم های مطهر برای مردان مزاحمت ایجاد نموده و فشار به بدن

مردان داده یا خود را به ضریح چسبانده یا در طرف قبله

روبه روی مردان نشسته و به خواندن زیارت مشغول

می شوند و حواس مردم را پریشان نموده، بندگان

و زائران و نمازگزاران و اهل دعا و توسل را از

کارشان باز می دارند و از کسانی می شوند که

دیگران را از راه خدا بازمی دارند و در حقیقت

این گونه زیارت زنان، از منکرات دینی به شمار

می آید، نه از عبادات و موجبات تقرب به خداوند

بزرگ.

معنویت واقعی آن
است که آدمی واجبات دینی
را انجام داده و از محرّمات بپرهیزد و
در مرحله دوم به انجام مستحبات و ترک
مکروهات پایبند باشد که آن نیز در جای خود
بازرزش است. اما این درست نیست که
انسان، واجبی را فدای یک مستحب کند
یا این که حرامی را فدای مکروه
نماید

سپس این حدیث را از امام صادق علیه السلام آورده است:
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ عَلِيُّ عليه السلام يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ تَبَّتُ أَنْ نِسَاءَكُمْ يُؤَافِينَ الرَّجَالَ فِي الطَّرِيقِ أَمَا تَسْتَحْيُونَ وَقَالَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ لَا يَغَارُ؛ حضرت علی علیه السلام فرمود: ای مردم عراق! به من خبر رسیده که زنان شما در بین راه با مردان برخورد نموده و آنان را کنار می‌زنند. آیا شرم نمی‌کنید؟! آن‌گاه فرمود: خدا لعنت کند کسی را که غیرت ندارد.^{۱۱}

ب) رفتن بانوان به زیارت اماکن زیارتی بدون اجازه همسر را همه فقیهان و کارشناسان اسلامی غیر جایز دانسته‌اند و حتی رفتن بانوان به مقدس‌ترین مکان زیارتی یعنی خانه خدا و سفر حج مستحب را بدون اجازه همسر جایز نمی‌دانند.

نیز اهمیت صله رحم در اسلام بر کسی پوشیده نیست، اما با این وصف نظر کارشناسان مسایل فقهی و دینی را در ذیل ملاحظه نمایید:

پرسش: اگر شوهری همسرش را از صله رحم - به‌ویژه دیدار والدین - منع کند، تکلیف چیست؟ آیا می‌تواند بدون اجازه او به دیدن آنان برود؟

پاسخ همه مراجع: خیر، نمی‌تواند بدون اجازه شوهر به دیدار آنان برود و صله رحم منحصر به رفت و آمد نیست؛ بلکه با احوال‌پرسی و پیغام فرستادن از طریق تلفن، نامه و مانند آن نیز محقق می‌شود.^{۱۲}

پرسش: آیا حضور در مراسم مذهبی (مثل نماز جمعه و راه‌پیمایی) نیاز به اجازه شوهر دارد؟

پاسخ مراجع (به جز تبریزی و مکارم): آری، باید با اجازه شوهر باشد. آیات تبریزی و مکارم: بنا بر احتیاط واجب باید با اجازه شوهر باشد.^{۱۳}

ج) در زیارت خانه خدا که فرموده‌اند دست زدن به حجرالاسود یا بوسیدن آن مستحب است و ارزش ویژه‌ای دارد، نکته‌ای که بانوان باید رعایت کنند این است که هنگام ازدحام جمعیت و هجوم افراد برای رسیدن به حجرالاسود و دست زدن به آن، از رفتن به سوی آن خودداری کنند؛ زیرا اولاً: طبق بعضی از روایات، استحباب چهار چیز در مناسک حج از بانوان برداشته شده است:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَضَعَ عَنِ النِّسَاءِ أَرْبَعًا إِيَّاهُ بِالْجَهَارِ بِالتَّلْبِيَةِ وَالسَّعْيِ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ يَعْنِي الْهَرُولَةَ وَدُخُولَ الْكَعْبَةِ وَاسْتِلَامَ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ؛ امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند با عزت و جلالت چهار چیز را از بانوان برداشته است: بلند گفتن تلبیه (لبیک‌ها)، هروله در سعی بین صفا و مروه، داخل شدن در خانه کعبه و استلام حجرالاسود.^{۱۴}



ثانیاً: این درست نیست که برای یک مستحب، حریم زن و مرد رعایت نشود و گناهی صورت پذیرد.

نکته‌ای هم که مردان باید در نظر داشته باشند این است که انجام این امر مستحب نباید موجب آزار و اذیت دیگر زائران خانه خدا گردد - که به‌طور معمول به‌ویژه در فصل حج چنین است! - اگر چنین شد، ارزش معنوی خود را از دست می‌دهد.

در حدیثی چنین می‌خوانیم:

«عَنْ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ قَالَ كَانَ بِمَكَّةَ رَجُلٌ مَوْلَى أُمِّيَّةَ يُقَالُ لَهُ ابْنُ أَبِي عَوَانَةَ... وَإِنَّهُ أَتَى أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ فِي الطَّوَّافِ فَقَالَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ مَا تَقُولُ فِي اسْتِلَامِ الْحَجَرِ؟ فَقَالَ: اسْتَلَمْتَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ لَهُ: مَا أَرَاكَ اسْتَلَمْتَهُ قَالَ: أَكْرَهُ أَنْ أُوذِيَ ضَعِيفًا أَوْ أَتَادَى قَالَ فَقَالَ قَدْ زَعَمْتَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اسْتَلَمَهُ قَالَ نَعَمْ وَلَكِنْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا رَأَوْهُ عَرَفُوا لَهُ حَقَّهُ وَأَنَا فَلَا يَعْرِفُونَ لِي حَقِّي»^{۱۵}

حماد بن عثمان گوید: در مکه، مردی از غلامان

زیارت به‌طور طبیعی یک امر مستحب است، اما انجام آن نباید حساسیت انسان به ترک حرام را کم‌رنگ کند یا گمان برد که زیارت، گناه او را جبران می‌کند! بلکه در یک زیارت صحیح و سازنده، آدمی باید از گناهان خود توبه و استغفار نماید؛ به‌ویژه در زیارت مرقد نورانی پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که استغفار و طلب آمرزش در آن جا که مورد سفارش قرآن کریم و اولیای الهی است

بنی امیه به نام ابن ابی عوانه می‌زیست. یک روز که امام صادق علیه السلام مشغول طواف بود، عرض کرد: یا ابا عبدالله! در مورد بوسیدن حجرالاسود چه می‌فرمایید؟ حضرت فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را بوسیده است. گفت: من ندیدم شما ببوسید. فرمود: دوست نمی‌دارم که ناتوانی را اذیت کنم یا خودم بر اثر ازدحام جمعیت اذیت شوم. عرض کرد: شما که می‌فرمایید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را می‌بوسید؟ فرمود: بلی، اما وقتی مردم چشمشان به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌افتاد، به او احترام گذاشته و مراعات حق آن جناب را می‌کردند، ولی (در حال حاضر) مردم حق مرا نمی‌شناسند.

۵. استفاده ابزاری از زیارت

از دیگر آسیب‌ها و آفات زیارت، استفاده ابزاری از آن می‌باشد. در ذیل به نمونه‌هایی از این استفاده‌های ابزاری اشاره می‌کنیم:

الف) تبلیغ و ترویج روایت‌های ساختگی و فاقد سند معتبر درباره بعضی از زیارتگاه‌ها و ثواب زیارت آن‌جا که گاه موجب تزلزل در اعتقادات افراد می‌شود. این امر، به وسیله نصب تابلوهای گوناگون در منظر زائران و نشر جزوه‌ها و کتاب‌های گوناگون، صورت می‌پذیرد، بدون آن که بررسی لازم درباره آن انجام شده و مورد تأیید صاحب‌نظران و کارشناسان دینی قرار گیرد.

ب) تبلیغ و تأکید بر برخی خواب‌های اثرگذار که مبنای قداست و ارزش‌گذاری یک مکان زیارتی و شخص مدفون در آن‌جاست؛ درحالی‌که معلوم نیست اصل و ریشه خواب از کجا نشأت گرفته و بر فرض صحیح بودن، تا چه حد اعتبار دارد. این موضوع در بعضی از اماکن به‌گونه‌ای است که اگر جریان را تعقیب کنیم، نه اعتباری برای آن امامزاده یا شخص مدفون می‌توان یافت و نه بیننده خواب را و نه کسانی را که در آن مکان شفا یافته‌اند می‌توان دید.

ج) استفاده از اماکن زیارتی به‌مثابه وسیله تجارت، مانند: خرید و فروش قبرها و غرفه‌های کسب و کار در حاشیه آن اماکن به قیمت‌های گزاف.

در پایان به برخی نکاتی که برای بهره‌برداری هر چه بهتر از زیارت‌گاه‌ها باید مورد توجه دست‌اندرکاران امور زیارت قرار گیرد اشاره می‌کنیم:

۱. **تأسیس کتابخانه مناسب:** نقش دانش در زندگی انسان قابل انکار نیست. اسلام نیز به علم و دانش اهمیت فراوان داده است. پیامبر بزرگوار اسلام و امامان نیز بر این مهم بسیار تأکید کرده‌اند در حدیثی معروف از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌خوانیم: «اطلبوا العلم من



المهد إلى اللحد».^{۱۶}

چنین گفت پیغمبر راست‌گوی ز گهواره تا گور دانش بجوی
 از این رو، یکی از کمبودهای بعضی از مزارها نبود کتابخانه‌ای مناسب برای زائران است.
 ۲. **امکانات رفاهی و تفریحی:** نکته دیگری که باید در زیارتگاه‌ها مورد توجه قرار گیرد، فراهم آوردن امکانات بهداشتی و رفاهی مناسب برای همگان، به‌ویژه نونهالان است تا در کنار زیارت بزرگان از لذت سرگرمی‌های مفید نیز برخوردار شوند.
 ناگفته نماند در برخی از زیارتگاه‌های مهم، این مراکز مانند موزه و پارک وجود دارد، اما موارد بسیاری هم داریم که یا چنین مراکزی وجود ندارد یا بسیار محدود است.
 ۳. **استفاده مطلوب از مناسبت‌ها:** نبودن شیوه تبلیغی مناسب و کارساز در مزارها به‌ویژه در بعضی از روزهای مهم سال که قابل بهره‌برداری تبلیغی بیشتری است، یکی دیگر از این آسیب‌هاست.

پی نوشت‌ها:

۱. محمدعلی رضایی و دیگران، فرهنگنامه اسرار و معارف حج، ص ۱۸، به نقل از المراقبات، ص ۵۳۸.
۲. کلینی، کافی، ج ۴، ص ۵۷۶، ح ۲.
۳. همان، ج ۱، ص ۲۶۵.
۴. همان، ۳۳۷.
۵. همان، ج ۴، ص ۵۸۱، ح ۵.
۶. همان، ص ۵۸۲، ح ۱۰.
۷. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۳۷۵.
۸. نساء، آیه ۱۴۲.
۹. نساء، آیه ۶۴.
۱۰. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۱۱۵، ح ۷.
۱۱. اقتباس از مفاتیح الجنان، بخش آداب زیارت.
۱۲. رساله دانشجویی مطابق با نظر ده تن از مراجع عظام، ص ۲۲۷.
۱۳. همان.
۱۴. شیخ صدوق، من لایحضر الفقیه، ج ۲، ص ۳۲۶، ح ۲۵۸۰.
۱۵. کافی، ج ۴، ص ۴۰۹، ح ۱۷.
۱۶. نهج‌الفصاحه، ح ۳۳۷.